

تربیت با سلاح کلمات ترفند ادعیه امام سجاد (علیه‌السلام)

Mentazer Mentazer

ادعیه امام سجاد (علیه‌السلام) و نقش آنها در تاریخ تشیع

امام سجاد (علیه‌السلام) یا امام زین العابدین چهارمین امام شیعیان هستند و نام کامل ایشان علی بن حسین بن علی بن ابی‌طالب است. ولادت ایشان در پنجمین روز از ماه شعبان بوده و مدت امامتشان ۳۴ سال بود. امام سجاد (علیه‌السلام) در واقعه کربلا حضور داشتند؛ ولی به علت بیماری در جنگ شرکت نکردند. پس از شهادت امام حسین (علیه‌السلام) ایشان را همراه اسیران کربلا به کوفه و سپس به شام بردند. خطبه امام سجاد (علیه‌السلام) در شام باعث آگاهی مردم از جایگاه اهل بیت شد.

واقعه حره، نهضت توابین و قیام مختار در زمان امام سجاد (علیه‌السلام) روی داد. در دوره امامت امام سجاد (علیه‌السلام) جامعه مسلمانان شکست خورده و متلاشی شده بود. ننگ کشتن امام و سرخوردگی پس از آن به اضافه فجایع واقعه حره مردم را از انجام هرگونه حرکت اجتماعی و سیاسی ناتوان کرده و رفتار حاکمان ستمگر و بی‌دین نتیجه‌ای جز بیگانگی مردم از اسلام ناب نداشت.

در این شرایط امام می‌باید چاره‌ای می‌یافتند، تا بدون خطر از دست رفتن جان خود و شیعیانشان اصول، عقاید و باورهای حقیقی اسلام را زنده نگه دارند و امید ایستادگی و مقاومت را دوباره در جامعه دل‌مرده تزریق کنند. امام سجاد (علیه‌السلام) برای رسیدن به این هدف از وسیله‌ای استفاده کردند که با ساختار وجودی انسان، هماهنگ بود؛ دعا. وسیله ارتباط انسان و آسمان. نتیجه مجاهدت ایشان محفوظ ماندن مبنای تفکر شیعی، احیای جامعه و گردآمدن بهترین منبع برای پناه جستن در آخرالزمان بود.

مناجات‌ها و ادعیه امام سجاد (علیه‌السلام) در کتاب [صحیفه جامعه سجادیه](#) گرد آمده است. این کتاب را خواهر قرآن می‌خوانند. کتابی که حاصل گفتگوی انسان کامل رودروری خداوند است. ادعیه امام سجاد (علیه‌السلام) نقشه راه انسانی است که در طلب خوراک دادن به [کودک عزیز روان خود](#) و رسیدن به مراتب انسانی است.

دعا زمزمه درونی انسان با خالق و معشوق بی‌نهایت اوست. برای ورود به چنین گفتگویی باید فن استخدام کلمات را بلد بود و این فنون را باید پای درس کسی آموخت که انسان را با تمام پیچیدگی‌ها و رموز خلقتش می‌شناسد و راه رشد انسان را می‌داند. ادعیه امام سجاد (علیه‌السلام) نمونه و الگویی است، برای همه انسان‌ها در تمام زمان‌ها که با پناه گرفتن لابه‌لای این کلمات دردهای ناگفتنی خود را التیام بخشند و با جادوی این کلمات سحرانگیز غم و اضطراب را شکست دهند.

متأسفانه ما برای آموختن هر علم و هنری زمان صرف می‌کنیم و برای یافتن بهترین پیشنهادات همیشه به سراغ متخصص‌ترین افراد می‌رویم، اما هرگز به دنبال فراگیری توانایی دعا کردن به عنوان یک مهارت ضروری برای زندگی، که تنها راه جلب توجه الله، دفع بلاها، دفع حملات شیاطین جن و انس و جذب امدادهای غیب برای رفع تمام مشکلات مادی و معنوی است، نبوده‌ایم. بد نیست یک بار هم که شده در کلاس ادعیه امام سجاد (علیه‌السلام) بنشینیم و با این حقیقت آشنا شویم؛ که

● چگونه باید اهل آسمان را خطاب قرار داد؟

● اصلاً چه شد که امام از این سلاح و ترفند برای مقابله با طاغوت استفاده کردند؟

● ما چگونه می‌توانیم استفاده از این سلاح را فراگیریم؟

خوش‌طعم‌ترین اکسیر

اصولاً زمانی که دردها، شکست‌ها و ضربه‌ها در یک جامعه زیاد می‌شود و جامعه از بیرون شکست می‌خورد، حالتی از درون‌گرایی ایجاد می‌شود. هنگامی که انسان از بیرون شکست می‌خورد، ناچار است به پناهگاهی پناه ببرد. چه پناهگاهی مطمئن‌تر از درون خودش؟ درونی که در لحظات دیگر مشغول بوده و نتوانسته به آن نگاه کند، و شکوه، عظمت و زیبایی حقیقی آن را ببیند و کشف کند. در لحظه‌ای که فرد شکست خورده

و به خودش پناه برده، نمی‌شود از بیرون به او چیزی داد، بلکه قوانی که او را سرپا کند، باید از درون خود فرد بجوشد.

امام سجاد (علیه‌السلام) با شیوه تربیتی متفاوت خود، اکسیر شیرینی به بشر هدیه کردند. مناجات‌های بی بدیل و ادعیه امام سجاد (علیه‌السلام) پیام جدیدی به انسان رساند؛ در حقیقت ایشان به تمام درماندگان اعلام کردند که حتی اگر جامعه هم نخواست اصلاح شود و نشد، تو با اکسیر دعا اصلاح شو. دعا برنامه تربیتی فوق‌العاده کاربردی و مهمی است، که می‌تواند انسان‌ها را در بدترین شرایط جامعه هم نجات دهد.

جامعه لهیده و سرخورده عصر امام سجاد (علیه‌السلام) محتاج برخوردی غیر مستقیم و مهربان بود. برخوردی که حتی خشونت نصیحت را نداشته باشد؛ چه رسد به خشونت تأدیب. آن اجتماع فقیر و شکسته، محتاج آگاهی، غنا و صلابت بود، که باید با روشی غیرمستقیم و با مناجات و دعا به آن راه می‌یافت.^۱

سر اینکه امام به دعا رو آوردند، صرفاً به این دلیل لزوم تقیه نبود؛ چون در دوران سایر ائمه هم تقیه وجود داشته است، اما ایشان از راه‌های دیگری وارد شده‌اند؛ برای مثال، در دوره منصور دوانیقی، هارون و مأمون ائمه از روش امام سجاد (علیه‌السلام) استفاده نکردند.

امام سجاد (علیه‌السلام) با این روش به کمک انسانی رفتند، که به درون پناه برده و دیگر نمی‌توانست چیزی از بیرون بگیرد. برای مثال، ایشان توحیدی را که در آن جامعه خسته نمی‌توان با درس و بحث، به دل‌های غم‌دیده ارائه کرد؛ از طریق مناجات خمس عشر به خورد نفس گرسنه مردم دادند و این پیام را به ما مخابره کردند، که کسانی که از بیرون ضربه خورده‌اند، باید از درونشان مدد گرفته و از نیایش استفاده کنند.

سر انتخاب این روش توسط امام سجاد (علیه‌السلام) آن بوده که آن دوره، دوره ضربه‌ها بوده است. اصولاً در هجوم روزانه ضربه‌ها، هنر نقش بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا هنر، ناخودآگاه و غیرمستقیم انسان را پیش می‌برد و با فکر انسان کاری ندارد.^۲ مناجات‌ها و ادعیه امام سجاد (علیه‌السلام) هنرمندانه‌ترین روش برای بیرون کشیدن انسان از غار تاریک ناامیدی و روبه‌رو کردن او با حقیقت بی‌انتهای وجود خود بود.

درس‌هایی از انقلاب (تقیه)، علی صفایی حائری، ص ۲۱۲^۱
بهار رویش، علی صفایی حائری، ص ۵۶^۲

اولین حرکت امام سجاد (علیه‌السلام) پس از امامت

مجلس شراب در کاخ یزید برپا شده است. اسرا و اهل بیت، همه حاضرند. یزید، مست بر صدر مجلس نشسته و دست‌های امام سجاد (علیه‌السلام) به گردن بسته شده است. مکالمه‌ای بین امام و یزید آغاز می‌شود. ایشان خطبه‌ای تکان دهنده می‌خوانند. خطبه آن چنان عجیب و کوبنده است که گویی ستون‌های کاخ را از ریشه جنبانده و سست کرده است.

اما چرا امام در بیش از هفتاد درصد خطبه مدح امیرالمؤمنین امام علی (علیه‌السلام) را می‌کنند؟ چرا از علت قیام نمی‌گویند؟ گویی امام در کاخ یزید منبر علی‌شناسی برپا کرده‌اند. اصلاً شاید اولین مکانی که امام زین العابدین (علیه‌السلام) نشان دادند که همیشه، بهترین و نقطه‌زن‌ترین تدابیر و انتخاب‌ها از آن ایشان است، همین جاست.

ایشان در این سخت‌ترین شرایط روحی و جسمی با خطبه‌ای غدیر را زنده و سقیفه را خاک کردند. آنچه وحوش انسان‌نما در کربلا مانع اجرای آن توسط امام حسین (علیه‌السلام) شدند؛ علی بن الحسین (علیه‌السلام) مقابل تفالیه بنی‌امیه اجرا کردند، هدفی که چیزی جز احیاء ولایت علی بن ابی‌طالب (علیه‌السلام) نبود.

امام زین العابدین (علیه‌السلام) خطبه خود را این‌گونه آغاز کردند: «خدا به ما اهل بیت، برتری‌هایی داد و رسول را به ما عطا کرد. امیر صدیق (علیه‌السلام) نیز از ماست.» از آنجا که بنی‌امیه لقب کذاب را در میان مردم شام برای امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) اشاعه داده بودند، امام سجاد (علیه‌السلام) از عبارت «امیر صدیق» استفاده کردند.

نوع خطبه‌خوانی امام در آن شرایط روحی و جسمی استثنائی است. نوع معرفی خود و خاندان رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) توسط امام خارق‌العاده و سرشار از کنایه و تحقیر بنی‌امیه است. ایشان فرمودند: «جد و پدر من کسی است که بنی‌امیه از ترس شمشیر او بر بالای سرشان اسلام آوردند. من فرزند کسی هستم که با تمام وجود، پای رسول‌الله ماند. او دو هجرت کرد؛ هجرت به شعب و هجرت به مدینه. او شما و خاندانتان را قلع و قمع کرد که به اسلام رو آوردید. من پسر زین العابدین هستم.»

سیستم تبلیغاتی معاویه علیه امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) شایعه کرده بود که علی (علیه‌السلام) نماز نمی‌خواند. امامهم برای معرفی امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) از لقب «زین العابدین» استفاده کردند و زحمات آنها را بر باد دادند. ایشان در چند دقیقه بنیان کاخ تزویر و دروغ را که چند ده سال با تلاش و هزینه‌های بی‌وقفه تبلیغات معاویه به پایگاه ضد علی (علیه‌السلام) تبدیل شده بود، در هم کوبیدند و مجلس نحس شراب را به مجلس فضائل امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) تبدیل می‌کنند. در آخر چنان رعب و وحشتی به جان یزید می‌افتد، که همه چیز را انکار کرده و قتل امام حسین (علیه‌السلام) را گردن نمی‌گیرد. بصیرت فاطمی و نفوذ کلام علوی در کلمات امام سجاد (علیه‌السلام) در همان اولین خطبه ایشان به عنوان امام نشان داد که اسلحه مبارزه ایشان، سلاح کلمات است.

پس پرده مناجات‌ها

شیوه هوشمندانه‌ای که امام سجاد (علیه‌السلام) برای تربیت انسان‌ها در مناجات‌ها و ادعیه پیش گرفتند، بسیار قابل تأمل است. هنگامی که به این بیانات می‌نگریم، روشی حکیمانه و بسیار زیرکانه را مشاهده می‌کنیم. ایشان ضمن اینکه به ظاهر در حال موعظه مردم هستند، به شکل نامحسوسی درس‌ها و نکات مورد نظرشان را به مردم القا می‌کنند.

این روش، بهترین نحوه انتقال و القای ایدئولوژی و افکار درست است.^۳ از تفاوت‌های مهم عصر امام سجاد (علیه‌السلام) با سایر ائمه آن است که آنها تفسیر و تدریس اصول و مباحث تخصصی فقه، احکام و اخلاق را به صورت مبسوط داشته‌اند؛ اما بیانات امام سجاد (علیه‌السلام) این‌گونه نیست. ایشان در پی استدلال و تفسیر و تشریح نیستند. امام در تلاش برای یادآوری پایه‌ای‌ترین، اما در عین حال، جدی‌ترین اصولی هستند، که

انسان ۲۵۰ ساله، سید علی خامنه‌ای، ۱۳۹۰، چاپ اول، ص ۲۵۸

فراموش شده‌اند؛ اصولی مثل توحید، نبوت و امامت. برای مثال، زمانی که در ضمن دعا می‌فرمایند: «بترس از زمانی که تو را در قبر می‌گذارند؛ و نکیر و منکر به سراغ تو آمده و از تو راجع به خدای تو می‌پرسند»؛ ذهن مخاطب متوجه بحث معاد و توحید می‌شود. در ادامه می‌فرمایند: «سپس از پیامبر تو می‌پرسند»؛ در این فراز نبوت رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) که در ذهن و قلب مردم دفن شده بود را زنده می‌کنند.

سپس به شکلی حکیمانه و زیرکانه می‌فرمایند: «و عن إمامك الذي كنت تتوَلَّاهُ؛ از آن امامی که ولایتش را داری، از تو سؤال می‌پرسند». ایشان در این بخش، مسئله امامت را مطرح می‌کنند. در حقیقت امامت و حکومت در یک راستا هستند. این بخش مهم‌ترین خسرانی است که متوجه جامعه شده بود و هنوز هم هست. ایشان ذهن مستمع را به تفکر روی مقام امام و ولی سوق می‌دهند.

مردم، عبدالملک، مروان و یزید را امام خود می‌دانستند، در ذهن مردم جا افتاده بود که رهبران جامعه، اگرچه فاسدند، اما امام آنها هستند. امام سجاد (علیه‌السلام) با تذکر این مسئله در خلال مناجاتشان، گویی خطبه‌ای قراء خوانده‌اند و ذهن مخاطب را درگیر این سؤال می‌کنند؛ که آیا متوجه انتخاب امامت هستی؟ میدانی باید در مورد ولایت او پاسخ‌گو باشی؟ اصلاً امام کیست؟

در آن زمان مدت‌ها بود که دیگر کسی از دین و حقیقت اسلام سخن نمی‌گفت. حکما پی نفس‌چرانی و خوش‌گذرانی خود بودند، توده مردم هم خود را سرگرم امور بیهوده کرده بودند. علما هم که عموماً به «آخوندهای درباری» تبدیل شده و برده حکومت بودند.

امام سجاد (علیه‌السلام) در تلاش بودند که برای پایه‌گذاری حکومت اسلامی آینده، با دعا انگیزه‌های سالم و صحیح را در دل‌ها بیدار کنند. تمام مناجات‌ها و ادعیه امام سجاد (علیه‌السلام) در صحیفه قابلیت هدایت و اصلاح فرد و جامعه را تا ابد خواهد داشت.

با توجه به روحیه دین‌گریزی که فضای جامعه با آن دست به گریبان بود، مردم از کمک دین برای رسیدن به آرامش مأیوس شده بودند. آنها به دنبال آرامش از دست رفته بودند و درمان این درد را به هیچ عنوان در دین نمی‌دیدند.

از طرفی، امام سجاد (علیه‌السلام) را می‌دیدند که از با وجود از سر گذراندن تمام مصائب عاشورا این چنین استوار و سالم و آرام است، و این سوال برایشان به وجود می‌آمد، که امام سجاد (علیه‌السلام) قاعدتاً باید افسرده، مرتد و گوشه‌گیر می‌شدند، پس این همه آرامش و قرار و سکون را از کجا به دست می‌آورند؟

همین مسئله، ذهن و قلب مردم را متعجب و مشتاق کرده بود. در حقیقت، امام با نمایش شکل رابطه خود با خدا علاوه بر تلطیف فضای خشن و دین‌گریز آن زمان، راهکار عملی رسیدن به آرامش را هم عرضه می‌کردند. مردم می‌دیدند که عالمی نو در دنیای اسلام طلوع کرده است. کسی که آنها را با نسخه فراموش شده‌ای از دین مواجه کرد. همان نسخه رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) که دفنش کرده بودند.

برای ایجاد یک جامعه اسلامی اولین قدم ایجاد زمینه فکری است. در جهت تحقق بزرگترین هدف تمامی اهل بیت ابتدا باید دین و اخلاق مردم درست می‌شد. اجتماع باید از گرداب فساد، بیرون می‌آمد، تا مردم آمادگی پذیرش و تشکیل حکومت اسلامی را داشته باشند. روح اصلی دین باید در جامعه احیاء می‌شد. این مأموریت، مأموریت عظیم و اصلی ادعیه امام سجاد (علیه‌السلام) بود.

اگر سی و چهار سال تلاش امام سجاد (علیه‌السلام) را از زندگی ائمه جدا کنیم، قطعاً به روزگاری که امام صادق (علیه‌السلام) بزرگ‌ترین کلاس درس را تشکیل می‌دادند، نخواهیم رسید و قطعاً امروز به عنوان اصحاب امام آخرالزمان در حملات شیاطین جنی و انسی دستمان از هر سلاحی خالی می‌ماند. مخاطب ادعیه امام سجاد (علیه‌السلام) فقط مردم از دین بریده‌ی زمانه خودشان نبودند، بلکه این ادعیه قرار بود پناهگاه اصحاب امامی باشد که از نظرها غائب و دور از دسترس شیعیان خود است. شیعیانی که برای آموختن فن گفتگو با خدا و باز کردن درهای آسمان نیازمند راهنمایی امام معصوم هستند، تا بتوانند با بزرگ کردن روح خود و بریدن از مشکلات دنیا، راهی به سمت خیمه امام خود پیدا کنند.